

مقایسه ی سبک های دلبستگی در مردان متاهل با روابط فرا زناشویی و فاقد روابط فرا زناشویی

زهرا اکبری^۱، دکتر عبدالله شفیع آبادی^۲ و دکتر نازنین هنرپروران^۳

هدف پژوهش حاضر، مقایسه ی سبک های دلبستگی در مردان متاهل با روابط فرا زناشویی و فاقد روابط فرا زناشویی بود. بدین منظور، ۸۰ نفر از مردان (۴۰ نفر مرد دارای روابط فرا زناشویی و ۴۰ نفر مرد فاقد روابط فرا زناشویی) شهر شیراز به شیوه ی نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند و از نظر سبک های دلبستگی، مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج، نشان داد که این دو گروه از نظر سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی، تفاوت دارند.

واژه های کلیدی: سبک های دلبستگی، روابط فرا زناشویی

مقدمه

پیمان ازدواج، یک مقوله ی انسانی خاص است و از آنجا که انسان موجود ثابتی نیست، اصولاً مقوله های انسانی، در قالب تعریف ثابت نمی گنجد. پس از اولین ازدواج، بیشتر افراد از خود و همسرشان انتظار دارند که در طول ازدواجشان از نظر جنسی و عاطفی وفادار بمانند. علاوه بر این بیشتر مردم، روابط جنسی خارج از زناشویی را به عنوان یک رفتاری اشتباه محکوم می کنند و وفاداری زناشویی را امری مهم می دانند. شواهدی وجود دارد که افراد، روابط جنسی خارج از زناشویی را غالباً به عنوان یکی از دلایل مشکل های ازدواج، استفاده از درمان های زناشویی، جدا شدن و طلاق مطرح می کنند. علی رغم آن که عقاید و رفتاریهای افراد مختلف، نسبت به روابط فرا زناشویی و پیامدهای آن، منفی است ولی روابط خارج از حیطه ی زناشویی (EMI)^۴ هم برای زنان و هم برای مردان اتفاق می افتد و نرخ وقوع آن بر اساس نمونه گیری و تعریف از آن، متفاوت است و

۱. کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت Zahraakbari154@yahoo.com

۲. استاد گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

۳. هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان

از میزان تقریبی ۱۲٪ تا ۷۵٪ برای افراد متاهل که حداقل یک بار با آن مواجهه شده اند، تغییر می کند (آلن و بوکام^۱، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقی که در ۱۵ استان کشور انجام شده است، نشان می دهد که خیانت علت ۶۷٪ قتل مردان از سوی همسرانشان بوده است؛ ۳۳٪ مردان هم با واکنش در برابر خشونت حمله ی ناگهانی و تهدید از سوی همسر رو به رو بوده اند (آرمان^۲، ۲۰۰۵). فهم دلایل روابط فرا زناشویی و فاکتورهای تاثیرگذار آن، برای هر دو زوج اهمیت زیادی دارد و مزایایی از قبیل کاهش شناخت های اشتباه، افزایش آگاهی از وسعت مشکل و کمک به احساس توانایی در پیشگیری و کنترل این موضوع در آینده را شامل می شود. عوامل متعدد شخصیتی، اجتماعی و خانوادگی از عوامل سبب ساز روابط فرا زناشویی است که از آن میان می توان به سبک های دلبستگی، اشاره نمود. دلبستگی، یک رابطه ی هیجانی خاص است که مستلزم آرامش و تبادل لذت- مراقبت (بالبی^۳، ۱۹۶۹) و شامل ۳ سبک ایمن، نا ایمن- اجتنابی و نا ایمن- اضطرابی است. فرض می شود که نظریه ی دلبستگی در مورد روابط عاشقانه نیز، قابل استناد باشد و بتواند نقش مفیدی در فهم انگیزه های روان شناسی برای روابط خارج از حیطه ی زناشویی (EMI) داشته باشد. با استفاده از این نظریه ی محققان، روان شناسان و زوج های درگیر این ماجرا، می توانند فهم بهتری از دلایل EMI داشته باشند و همچنین می توان یک نظریه ی معنادار در نظر گرفت تا این موضوع را سازماندهی و تفسیر کند.

تحقیقات، موید این نکته است که پویایی های دلبستگی، روابط عاطفی بزرگسالان را شکل می دهد (هاوزن و شاور^۴، ۱۹۸۷) و به نظر می رسد کودکانی که از الگوهای دلبستگی نا ایمن برخوردارند، در بزرگسالی نیز در روابط عاشقانه- دوستانه- جنسی و رفتاری سازگارانه ی جمعی، دچار مشکل شوند (مظاهری^۵، ۲۰۰۰). محققین، ایجاد طرح واره ی دلبستگی در کودک را عاملی می دانند که در تعامل با محیط، نوع رفتار آتی او را تعیین می کند (اردمان و کافی^۶، ۲۰۰۳). بر خلاف روابط کودک- والد، در روابط بزرگسال، دلبستگی معمولاً دو جانبه است؛ بدین معنی که هم بسترها نقش تصویر دلبستگی برای هم دارند و روابط جنسی یا عاطفی آن ها معمولاً نقش یک تصویر دلبستگی اولیه دارد (هازان و همکاران، ۱۹۹۴). اگر چه تحقیقاتی درباره خیانت انجام شده است ولی

1. Allen & Baucom
2. Arman

3. Bowlby
4. Hazan & Shaver

5. Mazaheri
6. Erdman & Caffery

تحقیقات اندکی در این زمینه از نظرگاه دلبستگی صورت گرفته است. هدف این پژوهش مقایسه ی سبک های دلبستگی در مردان متاهل دارا و فاقد روابط فرا زناشویی شهر شیراز است.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

در این پژوهش، ۴۰ مرد متاهل شهر شیراز که روابط فرا زناشویی داشتند به روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند و سپس با ۴۰ نفر مرد دیگر که روابط فرا زناشویی نداشتند، از لحاظ سن تاریخ ازدواج و تعداد فرزندان همتا سازی شده و مورد مقایسه قرار گرفتند.

ابزار

پرسشنامه ی مقیاس دلبستگی بزرگسالان، نسخه ی تجدید نظر شده^۱ (RAAS): این پرسشنامه، توسط رید و کالینز^۲ (۱۹۹۶) معرفی شده است و چگونگی ارزیابی فرد از مهارت های ارتباطی و سبک رابطه ی صمیمانه ی وی را مورد بررسی قرار می دهد. این پرسشنامه، دارای ۱۸ عبارت است که توسط علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت برای هر ماده، سنجیده می شود. تحلیل عوامل، ۳ خرده مقیاس ۶ ماده ای تحت عنوان اضطراب = A، وابستگی = D و نزدیکی = C دارد. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد، مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است. میزان قابلیت اعتماد به دست آمده، بالاست. در ایران نیز، پایایی با استفاده از روش باز آزمایی برابر ۰/۹۵ به دست آمده است (حمیدی، ۲۰۰۵).

یافته ها

جدول ۱، فراوانی مردان دارای سبک های مختلف که دارای رابطه یا فاقد این رابطه در آزمون آماری کای دو بودند، نشان می دهد و مشخص می کند ۱۲ نفر از افراد گروه دارای رابطه، با سبک ایمن و در گروه فاقد رابطه، ۳۰ نفر از مردها دارای سبک ایمن بودند. آزمون آماری کای دو با مقدار ۷/۷۱ و درجه ی آزادی ۱، نشان می دهد که تفاوت بین فراوانی های مشاهده شده و آنچه مورد انتظار است با اطمینان ۰/۹۹ از نظر آماری معنادار است و بین مردان دارای رابطه و فاقد رابطه از نظر سبک دلبستگی ایمن، تفاوت وجود دارد.

1. Revised Adult Attachment Style Scale

2. Read & Colins

جدول ۱: مقایسه ی مردان دارای رابطه و فاقد رابطه از نظر سبک دلبستگی ایمن با آزمون کای دو

سبک دلبستگی	گروه بندی	ایمن	مقدار کای دو	سطح معناداری
سبک وابسته	دارای رابطه	۱۲	۷/۷۱	۰/۰۱
		۲۱		
	فاقد رابطه	۳۰		
		۲۱		
سبک اجتنابی	دارای رابطه	۱۷	۵/۲۶	۰/۰۵
		۱۱/۵		
	فاقد رابطه	۶		
		۱۱/۵		
سبک اضطرابی	دارای رابطه	۱۱	۳/۲۶	۰/۰۷
		۷/۵		
	فاقد رابطه	۴		
		۷/۵		

ف.م.= فراوانی مشاهده شده ف.م.= فراوانی مورد انتظار

آزمون آماری کای دو، با مقدار ۵/۲۶ و درجه ی آزادی ۱، نشان می دهد که تفاوت بین فراوانی های مشاهده شده و آنچه مورد انتظار است با اطمینان ۰/۹۵ از نظر آماری معنادار است و بین مردان دارای رابطه و فاقد رابطه از نظر سبک دلبستگی اجتنابی، تفاوت وجود دارد. در مقایسه ی سبک اضطراب، می بینیم آزمون آماری کای دو با مقدار ۳/۲۶ و درجه ی آزادی ۱ نشان می دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر سبک اضطرابی وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

رابطه ی جنسی، دلبستگی بین زوجین را نسبت به هم زیاد می کند. برای بسیاری از زوج ها ارتباط جنسی زمانی اتفاق می افتد که قادر باشند ارتباط ضعیف تر و ظریف تری را با یکدیگر برقرار کنند و نیازهای دلبستگی شان را پاسخ گویند. روابط جنسی، جزیی از ارتباط های عاشقانه ی بین زوجین است و پیوندهای عاشقانه، صمیمیت و رضایت از رابطه ی جنسی، عوامل کلیدی در دلبستگی زوجین است (سعیده بطلانی، ۲۰۱۰). نتایج به دست آمده از این پژوهش، نشان داد که تفاوت

معناداری بین تعداد افرادی که سبک ایمن و اضطرابی دارند در داشتن و نداشتن روابط فرا زناشویی وجود دارد و افرادی که سبک ایمن دارند کمتر از افرادی که این نوع دلبستگی را ندارند وارد روابط فرا زناشویی می شوند. در مقابل این وضعیت، بین کسانی که دارای روابط فرا زناشویی هستند، دلبستگی اجتنابی بیشتری مشاهده می شود. نتایج پژوهش حاضر، با مطالعات پژوهش های مک لین^۱، کسیدی و شیور (از فینی^۲، ۱۹۹۹) فینی و نولر^۳ (۱۹۹۶) هازان و همکاران (۱۹۹۴) کیرک پاتریس و دیوس^۴ (۱۹۹۴) سهرابی (۲۰۰۹) رضا زاده (۲۰۰۹) حمیدی (۲۰۰۵) و بشارت (۲۰۰۴) همخوان است. هازان و همکاران (۱۹۹۴) دریافتند که افراد ایمن کمتر احتمال دارد در یک رابطه ی یک شبه درگیر شوند. این افراد، از تماس جسمانی لذت برده و رابطه ی آن ها دو جانبه از عشق و اعتماد با همسرشان شکل گرفته است.

بر اساس پژوهش های کسیدی و برلین^۵ (۱۹۹۴) افرادی که سبک ایمن دارند، اعتماد به نفس بیشتر برداشت مثبت از خود و خودآگاهی بالاتری دارند. بنابراین، احتمال برقرار کردن روابط فرا زناشویی به عنوان رابطه ای نابهنجار و آسیب زا در این افراد، کمتر است و از آنجا که رابطه با همسر از طولانی ترین و مهم ترین روابط بشری است، نقش مهم و تعیین کننده ی سبک دلبستگی ایمن در حفظ و پیشبرد آن روشن تر و مشخص تر است. نتایج پژوهش حاضر، با پژوهش های بوترن و کمپل^۶ (۲۰۰۸) آلن و بوکام^۷ (۲۰۰۴) مک لین (۲۰۰۱) و هازان و همکاران (۱۹۹۴) همخوان است. هازان و همکاران (۱۹۹۴) دریافتند که افراد اجتنابی، گرایش دارند فعالیت هایی را گزارش کنند که گویای صمیمیت روان شناختی پایین است؛ مانند، رابطه ی یک شبه، رابطه ی جنسی خارج از خانواده و رابطه ی جنسی بدون عشق. از نظر آلن و بوکام (۲۰۰۴) سبک اجتنابی، رابطه با زوج اصلی را به عنوان یک نزدیکی نامناسب مطرح می کند و او را وامی دارد تا در رابطه ای خارج از دلبستگی اصلی خود وارد شود. این گونه افراد، اغلب عدم اطمینان به زوج را تجربه می کنند که فاصله ای بین آن ها ایجاد می کند و نسبت به از بین رفتن رابطه اش نگرانی کمتری دارد. از آنجا که افراد دارای سبک اجتنابی، قادر به برقراری روابط عمیق و صمیمی با همکاران نیستند، بنابراین از ارتباط جنسی و زناشویی خود رضایت پایین تری دارند و تعارض های میان فردی بیشتری را به خصوص با همسر خود تجربه می کنند که خود یک عامل قوی و زمینه ساز برای روابط فرا زناشویی

1. Maclean
2. Feeney

3. Noller
4. Kirkpatrick & Davis

5. Cassid & Berlin
6. Butzen & Campbell

7. Allen & Baucom

است. همچنین پژوهش هایی وجود دارد که نشان می دهد بین مردان خیانت کار و غیر خیانت کار از نظر سبک دلبستگی اضطرابی، تفاوت وجود ندارد (اسپانر و شاور، ۲۰۰۲؛ هازان و همکاران، ۱۹۹۴) و طبق پژوهشی که توسط هازان و همکاران (۱۹۹۴) صورت پذیرفت، مردان دو سوگرا گزارش کردند که از نظر جنسی بسیار خوددار بوده و از در آغوش گرفتن و نوازش کردن لذت می برند ولی کمتر درگیر آمیزش جنسی می شوند. در یکی از مطالعات اخیر، اسپانر و شاور (۲۰۰۲) دریافتند که افراد مضطرب، بیشتر همسر یا شریک جنسی خود را از دست داده اند.

References

- Allen, E. S., & Baucom, D. H. (2004). Adult attachment and pattern of extra dyadic involvement. *Family Process*, 43, 467-488.
- Arman, D. (2006). *Women who are victims of male desertion*. Iran press.
- Besharat, M. A. (2004). Relationship between attachment styles and personal problems. *Journal of Thought and Behavior in Clinical Psychology*, (8), 4. (Persian).
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss: Attachment*. London: The Hogarth Press and Institute of Psycho-Analysis.
- Butzen, B., & Campbell, L. (2008). Adult attachment, sexual satisfaction, and relationship satisfaction: A study of married couples.
- Cassidy, J., & Berlin, L. J. (1994). The insecure/ ambivalent pattern of attachment: Theory and research. *Child Development*, 65, 971-991.
- Erdman, P., & Caffrey, T. (2003). *Attachment and Family Systems conceptual, Empirical, and therapeutic relatedness*. New York: Brunner-Rutledge.
- Feeney, J. A. (1999). *Adult romantic attachment and couple relationship*. In J. Cassidy, J., & Shaver, P. R. (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical application*. New York: Guilford Press.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (1996). *Adult Attachment*. Sage Publications.
- Hamidi, F. (2005). Relationship between attachment styles with marital satisfaction in the married students. *Journal of Family Diffuse*, 3(9), 259-443.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment pricks. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Hazan, C., Zeifman, D., & Middleton, K. (1994). Adult romantic attachment, affection, and sex. Paper presented at the seventh International Conference on Personal Relationships, Groninger, The Netherlands.
- Kirkpatrick, E., & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender, and relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 861-869.
- Macleane, P. D. (2001). Attachment in marriage: Predicting marital satisfaction from partner matching using a three- group typology of adult attachment style Affective neuroscience. *Neuro Psychoanalysis*, 3, 81-85.
- Mazaheri, M. A. (2001). Role of adult attachment in marriage sideways action. *Journal of Psychology*, 15, 286-318. (Persian).
- Rezazadeh, M. (2009). *Relationship between dimensions of attachment styles of making love to married men and women in 15th district of Tehran*. (Master's Thesis, Allameh Tabatabayi University). (Persian).
- Schachner, D. A., & Shaver, P. R. (2002). Attachment style and human mate poaching. *New Review of Social Psychology*, 1, 122-129.
- Sohrabi, F. (2009). Relationship between attachment styles and sexual extramarital relationship among women detained at the center of the fight against social corruption in Tehran. *Journal of Family Diffuse*, 4 (2), 133-143. (Persian).